

# مردی که سر قبر خودش گریه کرد

رئیس پلیس پیشگیری ناجا:

**ادب، اقتدار و قانونمندی سه ویژگی اصلی پلیس است**

**گروه حوادث:** «قانونمند بودن»، «ادب» و «اقتدار» سه ویژگی مأموران پلیس در مواجهه با مردم و انجام مأموریت است.

سردار مهدی معصوم بیگی، رئیس پلیس پیشگیری ناجا در دومین دوره نشست آموزشی استانداردسازی و تعالی رفتار کارکنان کلانتری و پاسگاه‌ها که به‌صورت ویدئو کنفرانسی برگزار شد، با بیان این مطلب گفت: مردم پلیس را یار مهربان و مقتدر خود می‌دانند و از طرفی کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها پناهگاه مظلومان و محل امن برای دادخواهی مراجعان است. رفتار پلیس در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها همانگونه که باید موجب جلب رضایت مردم باشد، از سوی دیگر نیز بر خورد با مجرمان نیازمند رفتار سریع، قاطع و بهنگام مأموران پلیس است. وی افزود: برای ارتقای کیفی رفتار مأموران برنامه‌های پلیس پیشگیری بر دو موضوع «نظارت» و «آموزش» متمرکز شده است بنابراین برنامه‌های تدوین شده هم در حوزه آموزش به‌منظور ارتقای مهارت کارکنان و هم در حوزه نظارت در راستای پایش عملکرد واحدهای انتظامی به‌طور مؤثر اجرا خواهد شد. معصوم بیگی با بیان اینکه افزایش مهارت‌های «کلامی» و «ارتباطی» که توأم است با «رفتار مؤدبانه و حرفه‌ای» در برنامه‌های آموزشی این پلیس قرار گرفته است، تصریح کرد: «مؤدب بودن»، «قانونمند بودن» و «مقتدر بودن» سه ویژگی مأموران در مواجهه با مردم و انجام مأموریت است.

رئیس پلیس پیشگیری ناجا با بیان اینکه عمده مأموریت‌های نیروی انتظامی بر دوش پلیس پیشگیری است و این پلیس تخصصی بیشترین حجم مواجهه و ارتباطات با مردم را دارد، گفت: در واقع خط مقدم مواجهه نیروی انتظامی با قشار مختلف، کلانتری و پاسگاه‌ها هستند. بنابراین نوع و نحوه برخورد مأموران در این حوزه‌ها در آرامش بخشی به مردم و حفظ نظم و امنیت بسیار حیاتی است.

## گذشت از اعدام بعد از ۲۰ سال

**گروه حوادث:** تنها اولیای دم پرونده قتل مرد میانسال که پس از ۲۰ سال همچنان خواهان قصاص قاتل پدرش بود، با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی از اعدام گذشت کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اسفند سال ۷۹ با کشف جسد مردی زیر پل تهرانسر رقم خورد.

در ادامه بررسی‌ها هویت مقتول بدست آمد و تحقیقات تیم جنایی نشان می‌داد که همسر مقتول در این جنایت دست دارد. بدین ترتیب زن میانسال بازداشت شد و در تحقیقات از قتل شوهرش را بر ملا کرد؛ شوهرم اعتیاد به مواد مخدر داشت و ما را اذیت می‌کرد. وسایل خانم‌ام را برای اعتیادش می‌فروخت و زمانی که اعتراض می‌کردم مرا آتک می‌زد. او ادامه داد: از دست کارهای او خسته شده بودم و تصمیم به قتلش گرفتم. از پسر ۱۶ ساله‌ام و دوست ۲۲ ساله‌اش به نام حمید خواستم کمک کنند. شب حادثه من و دو دخترم خانه را ترک کردیم و حمید به خانه‌مان آمد و با همدستی پسرم او را با ضربات چاقو به قتل رسانده و جسد همسر را به زیر پل تهرانسر منتقل کردند.

اعتراف زن میانسال باعث دستگیری پسر ۱۶ ساله و دوستش شد آنها در تحقیقات به قتل اعتراف کردند. با تکمیل تحقیقات متهمان پای میز محاکمه رفته و حمید و پسر مقتول به اتهام مشارکت در قتل به قصاص محکوم شدند. همسر مقتول نیز به اتهام معاونت در قتل به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

در حالی که متهمان این جنایت در زندان به سر می‌بردند پدر و مادر مقتول که در آن زمان اولیای دم بودند به دادسرا رفته و از خون نوه‌شان سروش گذشت کردند اما خواهان قصاص دومین متهم پرونده شدند.

بدین ترتیب پسر مقتول پس از تحمل حبس از جنبه عمومی جرم از زندان آزاد شد. مدتی بعد نیز پدر بزرگ و مادر بزرگش فوت کردند و سروش و خواهرانش اولیای دم پرونده قتل پدر محسوب شدند سروش و یکی از خواهرهایش چندی بعد با مراجعه به دادسرا از قصاص حمید گذشت کردند. اما یکی از خواهرها همچنان خواهان قصاص متهم بود. باتوجه به اینکه دو نفر از اولیای دم رضایت خود را اعلام کرده بودند و حمید نیز مدت زیادی در زندان بود، مرد جوان موفق شد با قرار وثیقه از زندان آزاد شود. حمید پس از آزادی به قید وثیقه از زندان بیرون آمد و در حالی که ازدواج کرده و صاحب فرزند شده بود، بعد از ۲۰ سال از این جنایت یکی از دختران مقتول خواهان قصاص حمید شد و گفت: من آن زمان کوچک بودم و توانایی پیگیری پرونده قتل پدرم را نداشتم اما حالا که بزرگ شده‌ام و توانایی پرداخت پول دیه‌ای را که خواهر و برادرم می‌خواهند دارم، با پرداخت این پول خواهان قصاص حمید هستم. با درخواست دختر جوان، دستور بازداشت دوباره حمید صادر و او برای اجرای حکم راهی زندان رجایی شهر شد. اما با تلاش واحد صلح سازش دادسرای امور جنایی پایتخت دختر جوان در آخرین لحظات از خون پدرش گذشت کرد و با دریافت دیه، حمید را بخشید.

## سرقت یک میلیونری از خانه فامیل دور

**گروه حوادث:** مرد جوان که می‌دانست در خانه یکی از اقوامش مقدار زیادی پول و دلار نگهداری می‌شود با همدستی برادرش و سه سارق سابقه دار نقشه سرقت از خانه را طراحی و اجرا کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مرد میانسالی با مراجعه به کلانتری ۱۶۱ ابوترگفت: صبح زود برای رفتن به محل کار از خانم در خیابان فلاح خارج شدم اما ساعت ۷ بعدازظهر پس از بازگشت متوجه شدم در خانه‌ام تخریب شده و گاوصندوق حاوی طلاها و دلارهایم به ارزش ۱۰ میلیارد ریال را به سرقت برده‌اند.

سرهنگ کارآگاه «علی عزیزخانی»، رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ در تشریح این خبر گفت: با وصول پرونده کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت منزل برای بررسی محل و پایش جغرافیای محدوده وقوع جرم راهی محل سرقت شدند. در تحقیقات میدانی مشخص شد که یکی از همسایه‌ها ۵ مرد غریبه را دیده که با عجله در حال حمل گاوصندوق خانه شاکي بوده‌اند و وقتی به آنها اعتراض کرده مردان ناشناس با استفاده از سلاح سرد او را تهدید کرده و سپس با انتقال گاوصندوق به داخل یک دستگاه خودروی ۴۰۵ پلاک آن مخدوش و ناخوانا بوده از صحنه سرقت فرار کرده‌اند.

در ادامه سرخ‌های صحنه سرقت و یافته‌های کارآگاهان حاکی از آن بود که یکی از بستگان دور مالیات‌خیز به‌نام وحید در سرقت نقش داشته است. برای اثبات این فرضیه و تحقیقات پلیسی پس از هماهنگی با مقام قضایی وی به اداره آگاهی احضار شد و به مشارکت خود در سرقت اقرار کرد.

وحید گفت: از نگهداری طلاها و دلار در خانه مالیات‌خیز مطلع بودم و از طرفی می‌دانستم در زمان سرقت او اعضای خانواده‌اش در خانه حضور ندارند بنابراین با هماهنگی برادرم حمید و سه نفر دیگر به نام‌های اصغر، رسول و سیامک که از سارقان حرفه‌ای و سابقه دار ساکن در اسلامشهر هستند سرقت را انجام داده و پس از انتقال گاوصندوق به بیابان‌های اطراف اسلامشهر و تخریب آن پول و طلاها را بین خودمان تقسیم کردیم.

کارآگاه عزیزخانی افزود: با توجه به اعتراف متهم بلافاصله در همان روز با هماهنگی مقام قضایی کارآگاهان به شهرستان اسلامشهر رفتند و حمید را دستگیر و یک دستگاه خودروی ۲۰۶ را که از محل فروش اموال مسروقه خریداری شده بود نیز توقیف کردند. در ادامه اقدامات پلیسی سه متهم متواری در شهرستان اسلامشهر شناسایی شدند و در حالی که قصد درگیری با مأموران فرار را داشتند با شلیک تیر هوایی کارآگاهان دستگیر شدند و یک دستگاه خودروی برپالینس خریداری شده از محل فروش اموال مسروقه نیز از رسول کشف و توقیف شد. رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی در پایان گفت: شناسایی مالخران و جرایم مشابه متهمان در دستور کار قرار دارد و متهمان با دستور قضایی در اختیار این پایگاه‌می‌باشند.

### گروه حوادث/ مرد جوان وقتی برای

دریافت کد بورسی خود به دفاتر خدمات الکترونیک مراجعه کرد در کمال ناباوری دریافت چند ماه قبل فوت کرده و جسدش را نیز در بهشت زهرا دفن کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز گذشته مرد ۴۲ ساله‌ای به دادسرای جنایی پایتخت رفت و ماجرای عجیبی را برای بازپرس مطرح کرد. او گفت: چندی قبل برای دریافت کد بورسی‌ام اقدام کردم اما خانمی که مسئول آنجا بود به من گفت در اطلاعات شخصی شما مغایرتی وجود دارد و برای رفع این مغایرت باید به دفتر بورس بروید. اما وقتی به آنجا رفتم به من گفتند شخصی با این مشخصات در تاریخ ۲۳ بهمن سال گذشته فوت کرده است.

### مردی بدون هویت

شاکي ادامه داد: باور این موضوع برایم سخت بود بلافاصله راهی ثبت احوال شدم. آنجا هم گفتند شخصی با این هویت فوت کرده و مدارکش باطل است. وقتی به دنبال آن به بهشت زهرا رفتم در آنجا نیز به من گفته شده که شخصی با هویت من در بهشت زهرا دفن شده است و من قبر را هم دیدم. در صورتی که طبق اطلاعات

ثبت شده در ثبت احوال فقط یک نفر با این مشخصات در دفاتر خدمات الکترونیک مراجعه کرد در کمال ناباوری دریافت چند ماه قبل فوت کرده و جسدش را نیز در بهشت زهرا دفن کرده‌اند.

در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که ۲۳ بهمن سال گذشته مرد جوانی نیمه‌جان به یکی از بیمارستان‌های شهری منتقل شده است. در حالی که فقط یک کارت پایان خدمت در جیبش داشته است. اطلاعات شخصی شما مغایرتی وجود دارد و برای رفع این مغایرت باید به دفتر بورس بروید. اما وقتی به آنجا رفتم به من گفتند شخصی با این مشخصات در تاریخ ۲۳ بهمن سال گذشته فوت کرده است.

### شناسایی هویت مرد ناشناس

بدین ترتیب بررسی‌ها نشان می‌داد مرد جوانی که به جای شاکي، دفن شده است هویت‌اش ناشناس بوده است. به همین دلیل بازپرس جنایی دستور داد که متخصصان تشخیص هویت با اثر انگشتی که از مرد ناشناس قبل از دفن گرفته‌اند، هویت او را شناسایی کنند. همچنین دستور

ثبت شده در ثبت احوال فقط یک نفر با این مشخصات در دفاتر خدمات الکترونیک مراجعه کرد در کمال ناباوری دریافت چند ماه قبل فوت کرده و جسدش را نیز در بهشت زهرا دفن کرده‌اند.

### گفت‌وگو با شاکي

**چرا در این مدت متوجه این موضوع نشده بودی؟**  
۶ ماه قبل با ارائه‌ام قطع شد. من شغلم آزاد است و به‌واسطه کارم نیاز به واریز و برداشت‌های مالی زیادی دارم. با خودم گفتم شاید فکر کردند وضع مالی‌ام خوب است و برای همین ارائه‌ام قطع شده است. بسته معیشتی هم به من تعلق نگرفت و باز هم تصور این بود که به خاطر وضعیت مالی است و اصلاح حس نمی‌زدم که مرده باشم. اما زمانی که برای فروش سهم عدالت اقدام کردم در بورس به من گفتند تو مرده‌ای، گفتم من کی مرده که خودم خبر ندارم؟

### واکنش‌ات چه بود؟

باورم نمی‌شد. بلافاصله موضوع را پیگیری کردم و حتی به سراغ پزشکی رفتم که مهر فوت روی برگه جواز دفن زده بود. به او گفتم من زنده‌ام چطور این اتفاق افتاده است. حداقل باید به خانواده متوفی خبر می‌دادی. وقتی قبر را با نام خودم دیدم، گریه‌ام گرفت.

## تقاضای بخشش برای قاتل

# مربی بدنسازی



چاقو بیفتد اما ضربه به سرش خورد، من قصد کشتن او را نداشتم. نیما هم گفت: من در لحظه درگیری آنجا بودم اما هیچ ضربه‌ای به مقتول نزدم.

به این ترتیب هردو متهم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند. در آن جلسه اولیای دم برای متهمان اشد مجازات را درخواست کردند و فرهاد با انکار اعترافش گفت که تحت فشار مجبور به اعتراف شده وگرنه ضربه‌ای به مقتول نزده است و شاید میلاد که متواری است، ضربه کشنده را به سعید زده باشد.

در پایان هم هیأت قضایی وارد شور شدند و پرونده را برای تکمیل تحقیقات به دادسرا برگرداندند. در حالی که بازپرس رسیدگی با خوددوری ۲۰۶ مقتول تصادف کردیم. چون او مقصر بود گفتیم که باید تا آمدن پلیس در کنار خیابان صبر کنیم که سعید عنوان کرد عجله دارد و باید زودتر بیرون همین مساله موجب شد تا با هم دعوا کنیم. او بدن ورزیده‌ای داشت و با یک چاقو به سمت ما حمله کرد و من هم همان موقع از ترس جانم میله دراستی را که کنار خیابان افتاده بود برداشتم تا ضربه‌ای به دستش بزنم و

## ضرب و جرح با کتوی طبیعت دوست

## از سوی راننده خاخی

**گروه حوادث/** بانوی طبیعت دوست رامسری بعد از تذکر به راننده خاخی مبنی بر ریختن زباله در خیابان با خودر وزیر گرفته شد. به گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز مازندران، همسر لاله سید رئیسی، رئیس مؤسسه مهر مادر و عضو جمعیت نگاه سبز رامسر در این باره گفت: همسرم پس از دیدن صحنه پرتاب زباله از خودرو در خیابان شهید مطهری رامسر به راننده خاخی تذکر داد اما ایشان نه تنها نپذیرفتند بلکه فحاشی هم کردند و همسرم را با خودر وزیر گرفتند. وی ادامه داد: در پی این اتفاق همسرم به دلیل شکستگی مچ دست راست در بیمارستان شهید رجایی تنکابن تحت عمل جراحی قرار گرفت که حال عمومی ایشان خوب است. پیگیری‌ها حاکی از آن است که خودروی راننده نیز توقیف شده است.



### علت مرگ مردی که به جای تودفن شده، چه بود؟

به خاطر بیماری روی فوت کرده بود.

### کارت پایان خدمت در جیب او چه می‌کرد؟

چند ماه قبل این کارت‌م گم شده بود چون معمولاً همه کارت‌هایم را باهم یکجا می‌گذارم احتمالاً وقتی خواستم یکی از کارت‌ها را بردارم، از جیبم افتاده و من متوجه نشده‌ام.

### از نظر خرید و فروش مشکلی نداشتی؟

اصلاً من حتی کارت بانکی گرفتم و خودروام را عوض کردم. اگر به خاطر بورس نفهمیده بودم شاید تا ۱۰ سال دیگر هم متوجه نمی‌شدم که من مرده‌ام.

### وقتی چنین ماجرابی برای‌ت اتفاق افتاد چه تغییری در زندگی‌ت رخ داد؟

خیلی تغییر کردم. ۴۲ سال دارم و فکر می‌کردم ۴۰ سال دیگر هم زندگی کنم. اما از وقتی این موضوع را فهمیده‌ام سعی کردم رفتارم بهتر باشد. حس عجیبی است تنها با یک مهر مرگ همه اموال و دارایی‌هایت را از دست می‌دهی و دیگر در این دنیا نیستی تا نفس بکشی و این همه زحمتی که در زندگی می‌کشی به لحظه‌ای تمام می‌شود.

## متهم پس از صدور حکم قصاص:

# به خاطر نامزدم اعتراف کردم

**گروه حوادث/** مردی که مدعی بود دوستش را به خاطر ارتباط پنهانی با نامزدش به قتل رسانده وقتی خودش را در یک‌قدمی چوبه دار دید، اعترافش را پس گرفت و ادعا کرد برادر نامزدش قاتل بوده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۲۴ تیر سال ۹۰ با گزارش یک قتل در خیابان حیدرآباد کرج آغاز شد. مأموران پس از حضور در صحنه با تیمور و آرش ۲ دوست مقتول مواجه شدند آنها گفتند: ما برای شب‌نشینی به خانه دوستان سیامک آمدیم اما وقتی رنگ خانه را زدیم کسی در را باز نکرد و تلفنش را هم جواب نداد؛ از داخل خانه سیامک صدای تلویزیون می‌آمد به همین خاطر نگران شدیم و قفل در را شکستیم و پس از ورود به خانه با پیکر خونین دوستان مواجه شدیم و بلافاصله با پلیس تماس گرفتیم. پس از آن به دستور بازپرس کشیک قتل جسد سیامک به پزشکی قانونی منتقل شد و پزشکان این سازمان هم اعلام کردند که مقتول ۲۲ ساله بر اثر ضربات متعدد چاقو به ناحیه شکم خونریزی و فوت کرده است. تحقیقات پلیس برای شناسایی عامل قتل ادامه داشت تا اینکه ۳ روز بعد تیمور به اداره آگاهی رفت و خودش را به عنوان قاتل معرفی کرد.

او در اعترافش گفت: من و سیامک دوست صمیمی بودیم و من گاهی با مرجان نامزدم به خانه او می‌رفتم تا اینکه یک روز وقتی سیامک در آشپزخانه بود تلفنش زنگ خورد و من شماره نامزدم را دیدم و متوجه شدم که او با مرجان در ارتباط است؛ بشدت عصبانی شدم و موضوع را به آرش برادر مرجان گفتم. بعد شب حادثه با طرح یک نقشه به خانه سیامک رفتیم و من با چاقو او را کشتم پس از آن هم گوشی‌اش را برداشتم و با صحنه‌سازی به پلیس خبر دادم.

پس از این اظهارات، تیمور به اتهام قتل عمد بازداشت شد و پس از انتقال به دادسرا و سیر مراحل قانونی در دادگاه کیفری استان البرز محاکمه و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد.



در ادامه تیمور که همه راه‌ها را برای بازگشت به زندگی بسته دید در ادعایی تازه عنوان کرد: من قاتل نیستم و اتهام قتل را به‌خاطر مرجان پذیرفتم. وگرنه قتل را آرش مرتکب شده است. او به خاطر تعصبی که روی خواهرش داشت سیامک را به قتل رساند. ضمن اینکه پس از این ماجرا مادر آرش و نامزدم از من خواستند تا قتل را گردن بگیرم و به من قول دادند تا من را از زندان آزاد کنند. حتی مرجان هم به من قول داد تا لحظه آزادی‌ام منتظرم می‌ماند و همین مسائل باعث شد تا خودم را به عنوان قاتل معرفی کنم که با این کارم آرش آزاد شد و به استرالیا گریخت. پس از اظهارات تازه متهم قضات دیوانعالی حکم قصاص را نقض کردند و پرونده متهم برای محاکمه دوباره به شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز ارجاع شد و او صبح دیروز از خودش دفاع کرد.

در ابتدای جلسه دادگاه پس از قرائت کیفرخواست، اولیای دم درخواست قصاص کردند و پس از آن هم متهم مدعی بود که او مرتکب قتل نشده و قاتل آرش است.

اظهارات متناقض متهم در حالی مطرح شد که علاوه بر آرش، مادر و خواهر او هم در دادگاه حضور نداشتند. از این رو پس از پایان اظهارات متهم قضات دادگاه رسیدگی به این پرونده را به زمان دیگری موکول کردند تا ادعاهای مطرح شده توسط متهم با حضور این افراد مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد.

